



٢٢١
٧٨١١١٩
٢٢٢

هذا كتاب
في أصول العقائد
والفوائد

هو
هذا كتاب
أصول العقائد
جامع الفوائد من مؤلفات
مؤلفه في الأصول والفروع
والأصول جامع العقول والمنقول على ما في
سند من مؤلفات من الميرزا محمد باقر الموسوي
السبزواري من سيرة الله الباري في بحار
وغيره من مؤلفات من مؤلفات من مؤلفات
مؤلفه من مؤلفات من مؤلفات من مؤلفات
من القواعد الدينية حائز للأصول
والعقائد والبراهين
القطعية والبراهين

١٢٢٥
١٢٢٥
١٢٢٥

هذا كتاب
في أصول العقائد
والفوائد

ذکر ایات قرآنیہ در اثبات امامہ حضرت امیر

[illegible]

44

ملک اشرف

مکتبہ دارالافتاء اسلامی
کراچی

در حجه نزول سور مبارکه قل انی براهلیت

[illegible]

402

برای اهل بیت
نور امانت

10

نسبت علم خود را باین محسن شرعی میدهند و او را کز ابوعلی جیای است و او یکی از نایبند مشایخ معتزله است و در این
که علم معتزله بر مثنوی حضرت امیر المومنین است صلوات الله علیه و طوایف شیعه خود مشخص است که علم خود را نسبت
بان حضرت میدهند و هر یک از طوایف شیعه امام و پیشوا و اولاد و وهنمای خود را حضرت امیر المومنین میدهند
و اصحاب ابوحنیفه مثل ابی یوسف و محمد بن حسن و غیر ایشان از ابوحنیفه علم فرا گرفته اند و ابوحنیفه و مالک علم
خود را نسبت به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میدهند و آن حضرت علش مثنوی حضرت امیر المومنین علیه السلام بشود
و احمد حنبل علم خود را نسبت به حدیثی و او علم خود را نسبت به حدیث حضرت امام جعفر علیه السلام میانه آنکه از این
در میان اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله از ابن عباس فقیه نری بود و او را که حضرت امیر المومنین علیه السلام است
همیشه مؤثر است که شخصی از ابن عباس پرسید که علم تو چگونه است با علم حضرت پیغمبر علی بن ابی طالب ابن عباس گفت
همچنانست که بکلمه در جنب درای محیط و اما علم من و علم تو هر دو غلافی هستند که از انشاء آن حضرت و آتی
الامور و بیایم است و او از آن حضرت بجلال شیده و تفصیل داده و بیک سوچ زیاده و اما علم کلام خود اصل
هم از کلام آن حضرت و خطبه های آن است تا باین جا جمعی از نوخیز کلام ابن ابی طالب است و اگر کسی تتبع کند بداند
این را که علم آنست بر پیغمبر است که جامع از شیعیان جویی و اگر نسبت شاگردی با همه معصومین علیهم السلام نداشته اند
مستثنا باشند یا نشان ساخته آنکه شاید باین تقریب ایشان را عالم و نامایند و مرقمان ایشان را از اهل فضل و کمال دانست
چنانکه از ابوالبسطام را که در زمان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از مادر متولد شده میگویند که از شاگردان حضرت
امام جعفر علیه السلام بوده و در خدمت آن حضرت بسفاتی مشغول بوده و علامه حلی رحمه الله علیه در شرحی که بر شرح
خواصه علیه الوحی نوشته او را ما بر شیعیان لازم میاورد که یا نه بدی و اگر شما از اهل مال و صاحب کمال میدانید فایده
سقای آنحضرت بوده و از آن حضرت کتب علم متوجه به حال شده و سنی تا بل اند که همه جمیع اصحاب در مسائل دینی و علوم
محتاج بان حضرت بودند و آن حضرت هر یک یکی از اصحاب را محتاج نشانست و در علم بخود برین بود که اگر کسی بر احوال
آنحضرت در قصه و احوال و حال و حال او باشد بداند که این را که آن حضرت در این باب مثل و مانند نداشته و در علم
حساب در جوابهای آن حضرت ظاهر میشود که نهایت فرید کمال از برای آن حضرت ثابت بوده بلکه اگر کسی تتبع احوال آن
کند بداند که آنحضرت در علم نبوده که مردم با محتاج نباشند حتی در باب علم و ایشان در علم و علم خود از آن حضرت از اب خط
طلبها دارند و هوای علم و مضامین آن حضرت را اگر کسی ملاحظه کند میداند این را که تمام خلق محتاج بان حضرت در علم
مطلوب و علم تمام اخلاق و اگر بعضی از خطبه های آنحضرت را ببینند میداند این را که مردمان در علم حکمت کمال احتیاج
بان حضرت دارند و بواسطه و نظایر بعضی از کلمات آن حضرت معلوم علم طبابت و مشغول از علم فصاحت و بلاغت است
و فصاحت و بلاغت کلام آن حضرت از فوق کلام مخلوق و تحت کلام خالق میباشد و از حکایت فضا و فضی الله عنها که گفته اند
آن حضرت نبوده معلوم میشود که آن حضرت در علم کمال در نهان کمال بوده و علم جعفر اعظم و جعفر جامع را که الله معصوم
علیهم السلام میدانشند مثنوی بان حضرت میشود و در علم شعر و علم تاریخ مثل و مانند نداشته و در علم فلاسفه و
نظیرش بهم رسیده آنچه مذکور شد بعضی از چیزهایی است که مؤمنان است که آن حضرت سلام الله علیه از علوم میداند
و آنچه اعتقاد شده است آنکه آن حضرت علم ما کان و ما لکون را میدانشد و اما بکون را میدانشد و اما وجه و قوم در جمیع شئی
که از کتب حدیث اهل سنت است روایت شده که آن حضرت سلام الله علیه میفرمود که سلو فی من الخیر التماسا و
اعرف بها من عرف الاکثر بقیس و اولاد من از راههای ایمان پس بدیسی که من دانم از من باها از راههای ایمان
دیگر حدیثی است که هم از آن حضرت علیه السلام منقولست که آن حضرت میفرمود که نوشتن لا و کون سبعین مرتبه
من تقصیر فاعلم الکتاب یعنی اگر خواهم انقدر تقصیر میکنم فاعلم الکتاب را که اگر از این پس و کتا بها گفتن با خداوند
شود و در بعضی از روایات واقع است که آن حضرت فرمود که نوشتن لا و کون سبعین مرتبه من تقصیر لیسلم الله
یعنی اگر خواهم انقدر تقصیر میکنم کله لیسلم الله الرحمن الرحیم را که اگر کتا بها گفتن با خداوند شری شود و هم از آنحضرت صلوات
الله علیه و آله روایت شده که فرمود آنچه در جمیع کتابها اسمانی است در قرآن مجید است و آنچه در تمام قرآن مجید هست در فاعلم
الکتاب هست و آنچه در فاعلم الکتاب هست تمام در بسم الله الرحمن الرحیم هست و آنچه در بسم الله الرحمن الرحیم هست در بسم
بسم الله الرحمن الرحیم هست و در هر یک است و من نقطه سخن بسم الله ام و خوا از منی که از زبان اهل سنت
و جماعه است در کتب معتبره خود نقل کرده بسند متصل خود از عبد الله بن مسعود را که گفت که رسول خدا صلی الله علیه

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

در امامت حضرت حجة الاسلام

[illegible]

ولم يترك العظماء

ذكر امامنا حضرت علي بن ابي طالب

[illegible]

155

کتابخانه

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللَّهِ

هو
محمد بن
کتاب
نصف
اصول

[illegible]



